

# ورزش پهلوانی، ورزش نمایشی-کالایی!

نوشته دکتر فریبرز رئیس دانا

همه ورزش نمی‌کنند. شمار کمتری ورزش را در زندگی خود نسبتاً جدی می‌گیرند، شمار باز هم کمتری در هر جامعه ورزشکار آماتور (دوستاری) یا علاقمند جدی ورزش هستند. شمار ورزشکاران نیمه حرفه‌یی یا حرفه‌یی یا کاملاً جدی بهر حال همیشه کمتر است. این راه همه می‌دانیم. اما چیزی که نمی‌دانیم دلیل و انگیزه موجود در هر جامعه برای ورزش و برای پیروزی و قهرمان شدن و اثرگذاری بر هیجانهای اجتماعی است؛ یعنی همان دلایلها و انگیزه‌هایی که تفاوت‌ها را در این و آن جامعه پدید می‌آورد.

اگر بگوئیم در سطوح فردی و انگیزه‌های شخصی مسایل جسمی-روانی و بطور مشخص‌تر غریزه‌ها و فشارها و نیازهای درونی و سپس مسایل آموزش و تربیتی برای تندرستی انگیزه‌های اصلی ورزش را می‌سازند، ولی در سطوح اجتماعی جنبه‌های نمادین و نمایشی و دستاوردهای موقعیت اجتماعی سازنده انگیزه ورزش هستند، اشتباه نگفته‌ایم، گرچه از کمال بحث قطعاً دور بوده‌ایم. هم چنین مهم و لازم است بدانیم تعریف ورزش و هدفمندی آن چیست و این تعریف و هدف دز میان گروه‌های مختلف سنی و جنسی و طبقاتی و فرهنگی و جغرافیایی انسانی-و حتی اقلیمی- چه شکلی به خود می‌گیرد. از آن هم مهمتر آنست که جنبه‌های نمادین و جنبه‌های رقابتی را بر حسب پوشش‌های اجتماعی ارزیابی کنیم. ببینید، نمی‌توانیم با قاطعیت بگوئیم اساسی‌ترین پایه ورزش جنبه خاص مادی و اقتصادی آن بوده است. دستکم به لحاظ نگرش بسیار طولانی مدت تاریخی، از زمان انسان اندیشمند جدید (یا نئو موساپینس) چنین نبوده است. (اگر اساساً برای این گونه تقسیم‌بندی مردم شناختی اعتبار کافی قائل باشیم؛ بهر حال در اینجا به نظریه انسان ابزارساز به عنوان آغاز شکل‌گیری تاریخ انسان اتکا نمی‌کنیم).

در واقع فرایندهای اساسی تری مانند نقش تلاشهای تولیدی در فعالیت اعصاب و مغز- همانطور که هنر اولیه غارنشینی را پدید آورد- فعالیت‌های معنادر جسمی و جست و خیزهای حساب شده و قابل تکراری را برای تمدد اعصاب و آماده شدن به باز

تولید و تقویت نیروی زیستی و ایجاد تعادل محیطی پدید آوردند. بعدها، فعالیتها انتزاعی‌تر شدند، نمادین شدند، شرطی شدند، زیر فرمانهای دستگاه اعصاب مرکزی قرار گرفتند. در نوبت‌های بعدی، پدیده‌های انتزاعی حرکات موزون و فن برانه، یا بر نیروی جسم و یا بر مهارت‌های ویژه و ظریف، و بهر حال هم بر تجربه‌ها و تکرار و مهارت بدنی و هم بر دانش تجربی متکی شدند. دانش مستقل مهارت‌های مربوط به فعالیت‌های موزون غیر تولیدی بدنی- مانند ورزش و رقص و نمایش‌های جسمی- پدید آمدند. و چنین بود که نیاز انسان به مصرف کردن نیروی درونی به نیروی جسمی-روانی و به انگیزه‌های روانی و سپس به سائقه‌های فرهنگی و اجتماعی تبدیل شد. در آخر کار این نظام تولید سرمایه‌دارانه بود که این مهارت‌های



دکتر فریبرز رئیس دانا

نمادین و ضرورت‌های بکار بردن نیروی درونی را، به یک کالا-به ویژه کالایی قابل ارائه در نمایش جمعی- تبدیل کرد. ورزش امروزین از درون ضرورت طبیعی برای آزاد کردن انرژی‌های روانی-جسمی و نخستین فرمانهای سلسله اعصاب مرکزی پدید نیامد، بلکه از حرکات موزون نیروبر یا فن بر نمادین و انتزاعی شده‌یی بیرون آمد که خود بر غریزه‌ها و نیازهای نخستین مبتنی بود و در محیط تولید سرمایه‌داری، به کالایی برای عرضه و فروش-گرچه نه فروش کار تولیدی- تبدیل شد.

امروز بخش مهمی از ورزش یک کار فروشی و نمایشی است که نیروی اجتماعی وسیعی را در حول خود جمع کرده و به یک حیطه فعالیت خدماتی-اقتصادی گسترده تبدیل شده است. اگر ورزش انگیزه و تقاضا برای کار تولیدی ایجاد می‌کند، خود، کار تولیدی محسوب نمی‌شود. اگر بطور فردی و جمعی در خدمت به فرایند تندرستی و ایجاد انگیزه‌ها و

امیدهای تازه برای ایجاد آنگاهه آینده بهتر کار می‌کند، در مناسبات اقتصادی، به مثابه یک خدمت نمایشی و در واقع نمایش زور-فن-هنر ورزشانه، ظاهر می‌شود که در ساز و کار بازار و نیروهای عرضه و تقاضا «قیمت» پیدا می‌کند و از نیروهای اقتصادی و غیراقتصادی خاص خود بهره‌مند می‌شود. ورزش صبحگاهی فردی و جمعی لذت‌بخش در پارکها و محیط‌های طبیعی و گوشه حیاط منزل در یک طرف قرار داد، و ورزش فوتبالی نمایشی زیر سیطره شرکت‌های ورزش ساز و ورزش فروش بزرگ جهانی و ابرقدرت سامان بخش «فیفا» زیر نظام آموزش و گزینش بهترین بازیگران پول‌ساز در طرف دیگر. تصور عمومی معمولاً این است که بازیگران بسیار شگفت‌آور و ماهر- و چه بسا ماشینی‌شده- همانا تبلور ورزش‌اند. کمتر کسی به ریشه‌ها، انگیزه‌ها و تنوع ورزشی و کارکرد نظام سرمایه‌داری در آن توجه می‌کند. درک رابطه ورزش و ارزشهای فرهنگی عام جامعه در کنار «گرایشها و اخلاق طبقاتی دشوار است زیرا در این باره پژوهش کافی وجود ندارد. در ایران که تقریباً صحنه مطالعه خالی است.

واقعیت اینست که در جوامع صنعتی پیشرفته که تحت تأثیر اخلاق سود فردی و لیبرالیسم سالخورده و نوساز قرار دارند، ورزش به سرعت به فعالیتی برای ایجاد درآمدهای فوق عادی تبدیل می‌شود. زمانی بود که تنها فوتبال حرفه‌یی را می‌توانستیم به عنوان یک ورزش «قابل فروش» به حساب آوریم- و در آمریکا فوتبال آمریکایی را. امروز، اما، یکی یکی ورزش‌ها به حیطه نمایش وارد می‌شوند. طبقات اجتماعی مختلف به ویژه طبقه متوسط به بازیهای مقبول عام‌تر مثل فوتبال و اقسار ممتاز به بازیهای ویژه چون تنیس علاقه نشان می‌دهند. تماشای بوکس حرفه‌یی گروه‌های اجتماعی و طبقات مختلف را بخود می‌خواند، که دلیل خاص آن را باید در روانشناسی اجتماعی ویژه‌یی نیز جستجو کرد. بهر حال تماشاگران بخشی از درآمد خود را برای آنچه که در اقتصاد جدید آن را «اوقات فراغت» می‌خوانند می‌پردازند. آنها مایلند کیفیت اوقات فراغت، از حیث تمتع، دیدنیها، هیجانها و خاطره‌ها هرچه بیشتر باشد. آنها تقاضا کننده لحظه‌های لذت‌بخش اوقات فراغت می‌شوند به دنبال آن نهادها و افراد عرضه خدمات مورد نیاز را

سازماندهی می‌کند و تدارک می‌بینند. بازی‌سازان و مدیران باشگاه‌های بسکس و اساساً نهاد بسکس حرفه‌یی و نمایشی-که البته آدم‌های فهمیده و معترض و مردمگرایی چون محمدعلی کفی را نیز به ندرت تحویل می‌دهد-از بچگی، افراد با استعداد و توانمند و فرز را بخود می‌خوانند و آنها را در چارچوب کار مجرب‌ترین کلاسها و با بهترین مربیان، که خودشان از حیث شناخت و تشریح بدن، رشد مهارت‌های ورزشی، توانمند کردن، تمرین دادن و کسب نیروی روانی استعداد و دانش دارند، تعلیم و تمرین می‌دهند. برای تعلیم آنها مجموعاً سرمایه‌یی صرف می‌شود. خود این موضوع‌های آموزش ورزش حرفه‌یی-نمایشی «فرصت‌ها» را در راه ورزش از دست می‌دهند. تابع ریسک را نیز می‌پذیرند (که چه بسا ناقص عضو شوند

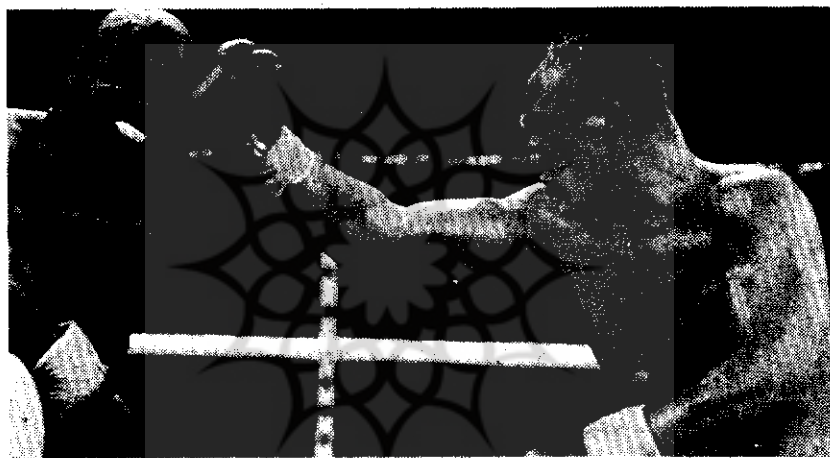
و یا اساساً از حیث رده‌بندی به جایی نرسند و جز آن، در نهایت «کالا»ی فراغتی عرضه می‌شود و تقاضاکننده هم حاضر می‌شود که برای آن پول لازم را بپردازد و حاصل کار سودهای کلان به نفع گروهها و افراد خاص است. بسدینسان، ارزشهای تولیدی و خدماتی مربوط به تمامی محیط اقتصادی و اجتماعی جایجا می‌شود و شمار وسیعی از مردم منتفع می‌شوند. بخش مسابقات از رسانه‌های

گروهی دیداری بیشترین درآمد را عاید می‌کند زیرا کالا-بازی-ورزش را به درون خانواده‌ها می‌برد. به این ترتیب ورزش از یک وسیله و نیاز برای تمذیب اعصاب و افزایش تندرستی-در جامعه‌یی که بخصوص مردم آن به دلیل شهرنشینی و مشاغل خدماتی از تحرک پائین برخوردارند و نیاز به تفریح و کار بدنی موزون و لذت بخش دارند-و یک گذران و فراغت لذت‌بخش در بازیهای فردی و جمعی به یک کالای اقتصادی تبدیل می‌شود. در واقع ورزش به دو بخش اساسی تقسیم می‌گردد: اول ورزش عامه مردم و دوم ورزش حرفه‌یی شده و کالا-نمایشی. پیشرفته‌ترین بخش کالای-نمایشی ورزش وقتی است که افراد با استعداد از پائین‌ترین سن جدا می‌شوند و در اردوگاه‌های ویژه صرفاً برای نمایش مهارت بدن و فن‌آوری و توانمندی و نفس‌داری تحت

تعلیم‌های سخت و منظم و منضبط قرار می‌گیرند.

## مافیای و شبه مافیای و کارگزاران سیاسی در ورزش

باری عصر آموزش گلابداتورها که نهایت مبارزه تن به تن آنها می‌باید به مرگ یکی-با اجازه امپراتور- ختم می‌شد پایان یافته است، اما سنت تعلیم اردوگاهی هم‌اموردیان بدنی-یعنی ورزشکاران نمایشی-در مسیرهایی بسیار پیچیده‌تر و علمی‌تر و فشرده‌تر و پرتجربه‌تر، به پیش آمده است. در آرژانتین، در برزیل، در آمریکا، در انگلستان گروه‌های ویژه نوجوانان به اردوی ورزش‌های ویژه می‌روند زیر نظر سازماندهی بهره‌بردارانی کننده و با مراقبت مربیان ویژه کار می‌کند. آنجا امید دارند که به این ترتیب به پول یا اشتها



بوکس حرفه‌ای؛ ورزش گلابداتوری مورد پسند عامه و ثروتمندان امروز-البته منهای کشته شدن مغلوب به اراده امپراتور!

برسند و در مسابقه توفیق فردی و لذت انفرادی ناشی از داشتن پول و ثروت، پیروزی ماندگار بدست آورند همراه با نام و نشان و اشتها از طرفداران و عاشقان بی‌شمار. در شماری از کشورهای آمریکای لاتین گروه‌های مافیایی و شبه مافیایی مستقیماً در صحنه دخالت دارند. در آمریکا حرفه‌یی‌ها و مافیاهای پیچیده‌تری بطور مستقیم و غیر مستقیم در این رهگذر کار می‌کنند. در زمینه بسکس حرفه‌یی (مثلاً برای مسابقه اتحادیه جهانی بوکس، مسابقه شورای جهانی بوکس، مسابقه بوکس حرفه‌یی سنگین وزن و جز آن) شبکه‌یی از نیروهای سازمان ده، ناظر، سرب، اردوچرخان، باشگاه‌دار، نمایش راه‌انداز، بلیط فروش، بازار گرم‌کن یا اضافه زنان و مردان پولدار-شامل کسانی که انواع لذت‌های روانی را از حرکات خشن بسکس می‌برند و لذا این ورزش را عوض آنکه به اعتلا و

مهارت عالی و انسانی برسانند، به منتهای خشونت می‌کشانند، دخالت دارند.

انرژی روانی-جسمی، در جایی که به ورزش یا مهارت‌های هنری تبدیل می‌شود، در خدمت سودجویان مافیایی و یا در خدمت نمایش‌های اوقات فراغتی درمی‌آید که موجبات بهره‌مندی فراوان حاکمان سیاسی یا قدرتهای اقتصادی را فراهم می‌آورد. هیجان‌ات توده‌ها راه به تماشای تعارض و تضاد و مبارزه صلح‌آمیز ورزشی می‌برد، که البته بخودی خود بسیار هم خوب و انسانی است ولی وقتی به ابزاری برای خاموش کردن هیجانها و انرژیهای تبلور یافته عالی‌تر و انسانی تبدیل می‌شود، انحطاطی هولناک را بدست می‌دهد. مقام‌های مهندسی اجتماعی و مهندسی امنیتی از طریق بازیهای ورزشی بسیاری از

تعارضها و نیروها و تناقضات را مهار و یا محو می‌کنند. شرکتهای بزرگ بر زمینه و بستر ورزش و مسابقات ورزشی کالای خود را تسلیغ می‌کنند، صحنه گردانان سود می‌برند و کالا-ورزش را به فروش می‌رسانند، هیجان‌ات توده‌ها راه به میدانهای مسابقه می‌برد و در خدمت بسیج نیروها برای نجات و رهایی و رفاه و رشد قرار نمی‌گیرد. احساسات کلی که

بخاطر تیمهای ورزشی ملی-در مسابقه‌های میان کشورها-برانگیخته می‌شود نیروی بزرگی برای اتحاد نیروهایی برانگیخته و پرشور است در راهی که به نوعی نظم موجود را هم مورد تأیید قرار می‌دهد، اما جنبه منفی و توطئه‌گرانه این نوع انگیزشها، لزوماً تنها جنبه بکار رفتنی یا بدست آمدنی آن محسوب نمی‌شود.

ورزش حرفه‌یی یا غیرحرفه‌یی و ملی و استانی و شهری و محله‌یی، می‌تواند در چارچوب روابط اجتماعی معینی به گونه دیگری در پیوند با هیجانهای توده‌های مردم قرار گیرد. نبرد و پیروزی و جسارت هم‌امورد طلبی و به میدان رفتن، تا کتیکهای جنگ و گریز در صحنه ورزش‌های جمعی یا انفرادی (فوتبال یا کشتی) تلاش برای پشت سر گذاشتن موانع و شکستن سدهای توانمند و بازدارنده (در فوتبال و بسکتبال یا در کشتی و کاراته) اندیشه و سرعت عمل در انتقال

نیرو و شش «ارزشمند»ی که باید به مقصد برسد (ورزش کاراته یا بسکتبال) طراحی، ارتباط و همکاری (پاس کاری) - پشتوانه سازی و نظایر آن، ورزش امروز را بس جذب کرده است. تلاش و زورورزی و تمرین مداوم و پیشرفت چند گرم چندگرم یا چند صدم ثانیه به چند صدم ثانیه، همگی ورزش امروز را برای عامه مردم امروز به ویژه در مناطق شهری و شهری بزرگ و در میان اقلشار کارگری و متوسط به چیزی دیدنی و ارزشمند

## کمتر کسی می داند مرحوم نجفی چون شاگردی کنجکار مساعف پای بسکت و درسی بسرحوم دکتر محمدعلی خنجی می نشست

تبدیل کرده است که انسان آگاهانه یا ناآگاهانه، «خود»، «من» و «من برتر» و تمامی تلاش و توان و بالاخره آرمانهای دنیای درونی خود را در آن می جوید. انسان امروز خیلی از آرزوها، ناکام ماندگیا، تخیلات، برداشتها و تصورات خود را در دنیای نمایشی بیرون جستجو می کند: در سینمای خیال پرور، در ورزش های پرهیجان، در موسیقی های ویژه و پا در شماری از قصه ها. آنچه در دنیای سرمایه دارانه ما اتفاق می افتد نه سینما، نه ورزش، نه نمایش، نه ورزش نمایشی و نه هیچ چیز مشابه دیگر را نباید نفی کند و نمی کند، بلکه مخاطرات ناشی از دگرگونی در کاربرد آنها را به ما هشدار می دهد.

مانند خیلی چیزها، ارزشهای جهان مرکزی سرمایه داری، جهان گسترده مردمی را از طریق تحمیل فرهنگ و رفتار و مبانی اقتصادی، تهدید به استحاله و توخالی شدن و آماده شدن برای بهره دمی گسترده تر می کند. نمونه آن سلیقه های پوشاکی، سلیقه های خوراکی، موسیقی و نمایش و فیلم و اخلاق ارتباطی و جز آن است. اما اخلاق نویلری دایر بر همه چیز در خدمت فعالیت های بخش خصوصی برای سود، از جمله خدمات انسانی، آموزشی، ورزشی، هنر و نظایر آن، خطرناک ترین آنها به شمار می آید.

ورزش حرفه ای به گونه ای خاص که آنهم عبارت از سازماندهی مجرد و تعلیم و تمرین جوانان با نیروهای ویژه و قابل عرضه در بازار باشد از اصولی است که تقریباً در بیست سال گذشته بسیار جدی شده و طرفدار پیدا کرده است. پس از اوجگیری علاقه فوتبال دوستان و جنش تب فوتبال پس از بازیهای جهانی دهه شصت و دهه هفتاد، با درخشش تیم جهان سومی و محبوب برزیل با آن همه تلاش و تحرک و نیرو و مبارزه جویی و پیروزی و بخصوص آخرین بازی دهه هفتاد که آرژانتین را به صحنه آورد، چنین تصور شد که فوتبال فقط از طریق بازی حرفه ای - باشگاهی با سازماندهی و گزینش ویژه میسر می شود. به این ترتیب ورزش صرفاً نمایشی و کالایی بناز دیگر تمایز خود را با ورزش همگانی و قهرمانی

مسابقه ای به نمایش گذاشت. عملکرد طبقاتی به نفع ورزش های نمایشی کالایی در رشته تنیس، سوارکاری و اسکی از یک سو و عملکرد عامه گرایانه فوتبال و بوکس (و این آخری برای طبقات بالا نیز) - و سپس ورزش بسکتبال، و بیس بال با سابقه قدیمی) و هندبال و بدن سازی و کاراته (گشتی کج با سابقه قدیمی تر) از دیگر سو به میدان آمدند.

امروز شماری از کشورها با ورزش - با این پاسخ ضروری به نیروی درونی و نیرویی که مایل است بطور منظم و مطبوع به حرکات بیرونی و به میدان مسابقه دست یابد و به تندرستی و نشاط و پیروزی برسد - به گونه دیگری برخورد می کنند: حرقتی و خاص با سازماندهی مجزا و گزینش. ببینید جامعه خودمان نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. به این خبر دقت کنید: «این تیم شاید نخستین تیمی باشد که در تاریخ فوتبال این کشور درس فوتبال خوانده است. از جمله کارهایی که برای موفقیت بیشتر بچه ها انجام داده ایم، جمع کردن بچه ها در یک محل برای ادامه تحصیل است. چون بازیکنان ما همگی دانش آموز هستند و با جمع کردن آنها در یک مدرسه، روحیه تعاون و دوستی را در آنها افزایش داده ایم. نوجوانان ما روزی ۶ ساعت درس می خوانند و بقیه اوقات خود را برای تمرین و استراحت اختصاص می دهند... به بچه ها اجازه داده شد که هر سه هفته یک بار به شهرستانهای خود بروند... حال این تیم قرار است برای بازی نوجوانان آسیا راهی بانکوک (پایتخت تایلند) شود. (روزنامه ایران ۱۹ شهریور ۷۵ شماره ۴۶۶)»

اما ورزش می تواند بر پایه گسترده ترین تلاشهای ورزشی، علاقه مردم به ورزش و به تندرستی، به ورزشی که از کودکی و در مدرسه شکل می گیرد و بر پایه ادراک عالی از زندگی و جامعه و شیوه های متعالی زیست قرار دارد، نیز راه به میدانهای مسابقه ببرد و به هیجانها و نیازهای عاطفی و روحی خود آگاه و ناخود آگاه علاقمندان پاسخ گوید. ورزش می تواند نشاط فردی و جمعی را به نیرویی برای رفاه عمومی، شادمانی، امید و دل بستگی به تلاشهای اجتماعی تبدیل

کنند. کمتر جامعه شناسان سیاسی و جامعه شناسان توسعه به نقش و اهمیت تیمهای ملی اروپا در ایجاد وحدت ملی ناآگاه هستند، گرچه ممکن است جهت دمی و بهره برداریهای سیاسی و اقتصادی پشت سر قضیه را کسی نبیند. اما وقتی تیم آلمان در فوتبال برنده می شود، درجه همبستگی و وحدت ملی بالا می رود. نتیجه آن امکان پذیرش قوانین و مساعدت برای پرداختهای مالیات، قبول شماری از سختیها، دفاع از عملکرد

خارجی دولت و جز آن باشد. در سایه این همبستگی اگر مردم خود را عضو یک تن واحد نمی بینند ولی رابطه شبه ارگانیکی با جامعه پیدا می کنند و نیروی بهم پیوستن و حراست از نظام - در برابر نیروی تلافی و آنتروپی مثبت و نا کارآمدی - بیشتر می شود.

### ورزش: ایران باستان، یونان باستان

بی تردید زمینه های فرهنگی و سنت های مربوط به وحدت و به هم پیوستگی و نیروی آنتروپی مثبت، در نحوه ارتباط ورزش مسابقه ای با جامعه و تأثیرگذاری ورزشکاران در جریان افزایش یا کاهش کارآمدی اجتماعی مؤثر واقع می شود. در جامعه ما سنتهای پهلوانی، عیاری جوانمردی، فوت و قهرمان دوستی - و این چیزست جدا از گرایش واقعاً موجود قهرمان پروری و نیرومند طلبی و دیکتاتور خواهی که بخصوص در مواقع بحران و ضعف جمعی و بهنگام بروز امیدهای بدون پشتوانه درونی و فردی، یعنی امید بیخودی پدید می آید. ریشه های مهمی در جامعه شهری و دهقانی کشور ما دارد. ورزش ریشه ای قدیمی در میان ایرانیان دارد و این ورزش، بجز تأمین خدمات نمایشی و پاسخ به نیازهای هیجانی، ابزاری قوی برای برون ریز کردن عاقلاته و منطقی و ماهرانه و نیرو ورزانه نیروی درونی بوده است. این ورزشها عبارت بوده اند از سوارکاری (دو و پرش) چوگان، تیراندازی، بازیهای پر روی اسپ مانند دست به دست کردن یک شیشی، انواع کشتی، چوب بازی، شمشیر بازی، وزنه برداری (به سبکی خاص)، پرتاب سنگ با وزن های یکسان و از همه مهمتر ورزش زورخانه ای و همانند آنها. شماری از این ورزشها نمادین شده فعالیت های تولیدی و یا تمرین های رزم بوده اند. رزمهایی که بگونه ای نمادین جنبه حماسی و میهنی داشته اند ولی در واقع کشتار دو گروه بوده است یکدیگر را برای آنکه اختلاف سرداران و امپراتوران برای حاکمیت بر سرزمینهای گسترده و برای تصاحب بازار و کسب خراج یکطرفه شود.

با این وصف، مردم می توانستند با انجام ورزشها



و مسابقه‌ها و نمایشهای ورزش در اوقات فراغت خود به تمدید قوا پردازند، چنانکه امپراتوران نیز از این نیروی تمدید یافته استفاده خود را می‌برده‌اند. پادشاهان صفوی از بازی چوگان در میدان نقش جهان فقط خود و کسانشان خطاً بصر نمی‌بردند، بسیج و سازماندهی و ترغیب و تهییج فرماندهان و نزدیکان نیز در همانجا میسر می‌شد و سران وفادار قزلباش نیز همانجا می‌توانستند از جهت پیوستگی به نظام حکومتی تقویت بشوند.

ورزش در یونان باستان (المپیک) ورزشهای نمادین قوی پیدا کرده بود. ورزش توانسته بود از کارکردگرایی مستقیم خارج و به جنبه انتزاعی-

نمایشی برسد. در یونان باستان بازیهای المپیک مهمترین فستیوال (نمایش همگانی) در میان چهار نمایش مذهبی به شمار می‌آمدند که به روی همه یونانیان باز بودند. این بازیها در المپیا واقع در ایس به افتخار زئوس برگزار می‌شدند. می‌توان پذیرفت که این نمایش در آغاز کاملاً جنبه مذهبی داشت. اما نمی‌توان آن را به هر حال از نیرو و انگیزه تلاش و حرکت موزون و هدفمند و رقابتی-به مثابه نیازی که با انسان اندیشمند، و به ویژه

انسان شهرنشین پدید آمده است مطلقاً جدا ساخت. هومر عنصر ورزشی و نیروی ورزشی را در این مراسم تشخیص می‌دهد و بخصوص به آئین تشییع جنازه و خاک سپاری اشاره می‌کند. گرچه عنصر مذهبی برای سالیان سال زنده باقی ماند، اما بتدریج رویکرد تازه به امروز و تربیت بدنی و مهارتها و خلاقیتهای مربوط به آن در دنیای معاصر مطرح شد. نوع تازه‌یی از انتزاع و اسطوره شونده‌گی دز ورزش، ورزش نمایشی، ارتباط ورزش با بازرهای مردم و با قهرمانی پدید آمد. بهر تقدیر بازیهای المپیک کلاسیک در یونان باستان تا حد زیادی در زمان خود به جریان ایجاد یک وحدت ملی-چیزی که وجود نداشت، یاری می‌رسانید. گفته می‌شود بازیهای دوران باستان که دربرداونده ورزشهای هنوز آشنایی-مانند دو ۲۰۰ یارد یا در حدود ۱۹۰ متر که امروز به دو سرعت ۲۰۰ متر تبدیل

شده است و یا دو طولانی دور میدان و یا سواری- در حدود ۱۲۰۰ سال ادامه یافت تا اینکه (چنانکه گفته می‌شود) به دست امپراتور تئودوسوس در سال ۳۹۳ پس از میلاد گویا به دلایل مذهبی، تعطیل شد. مذهب جدید آن دوران چنین انتزاعی را برنمی‌تابیده است.

بازیها و ورزشهای داخلی سالها در کشورها جریان داشتند. اینها همه در اروپا پس از بیداری از خواب طولانی قرون وسطا و پس از طرح آدمی به مثابه انسانی از طلسم طبیعت شکل گرفتند. بروز و اشاعه اندیشه لیبرالیزم در طول بیش از یکصد سال (قبل و بعد از انقلاب فرانسه در جریان انقلاب صنعتی و بعد از آن) به عنوان راه نجات انسان از رکود



فوتبال ورزش توده‌ها... ورزش هیجان آفرین... ورزش پولساز و ابزاری برای کسب حداکثر سود فردی

و خمیدگی دوران سیاه، با رشد ورزش سازمان یافته و ماهرانه و جدی همراهی داشت. در انگلستان فوتبال و تنیس ابداع شد، بازی والیبال بعدها و بازی بسکتبال خیلی بعد شکل گرفتند و قانونمند شدند. ورزشهای دیگری از شرق به آن سوی راه یافتند؛ نمونه آن کشتی بود که به احتمال قوی از ایران و آسیای مرکزی راهی اروپا شد. وزنه برداری مدرن یا بدنسازی به میدان آمد. ورزشهای سنتی زیادی هم در سرزمین خود در جا زدند و تا حدی هم توجه و احترام دیدند. مانند ورزش باستانی در ایران- و یا در قرن بیستم به جهان راه یافتند. مانند جود و کاراته که هر دو، بخصوص جود، پس از جنگ دوم جهانی و به ویژه در جریان آموزش رزمی نظامیان مورد توجه قرار گرفت. در آمریکا ورزشهای اولیه اروپائیان تقریباً به همان صورت ماند و یا در چارچوب نظام و مقررات ویژه‌یی قرار گرفت.

از آنجا که نظام سرمایه‌داری جهانی شده بود، توجه به ارزشهای جهانی ورزش و نمایش ورزش نیز در اواخر قرن نوزدهم مطرح شد. دور تازه‌یی از ارتباط مردمی و انسانی با ورزشکاران و با مسابقه‌ها و رقابت‌ها- و البته در کنار آن رشدیابی ورزش حرفه‌یی و نمایشی- کالایی- پدید آمد. در ۱۸۸۹ آقای بارون پی‌یر دو کوبرتین از سوی دولت فرانسه مسئولیت بررسی مسابقات جهانی را بر عهده گرفت. در ۱۸۹۴ اولین کنگره ورزش جهانی و در ۱۸۹۶ اولین المپیک جدید در آتن- برگزار شد. بجز دوره جنگ، المپیکها ادامه یافتند و ورزش اهمیت جسمی، روحی، اجتماعی و اقتصادی تازه‌یی یافت ولی از همه مهمتر مشارکت در بازیهای

بین‌المللی- برای رشته‌های مختلف- و مسابقات المپیک به ابزار و جریان توانمند سیاسی، برای کشورهای مهم، تبدیل شد.

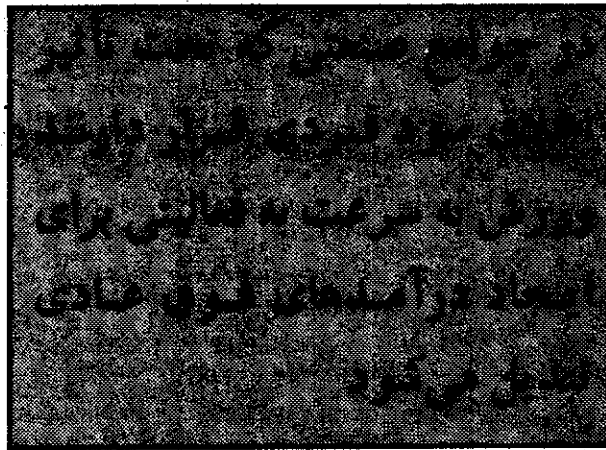
رشد رسانه‌ها و پیام‌رسان‌ها و وسایل مخابراتی و تلویزیون ماهواره‌یی ابعاد کاملاً جهانی، سریع و حیرت‌آور به مسابقه‌ها داد. شمار مسابقه‌های جهانی در رشته‌های مختلف اکنون از حساب بیرون است. در ۱۸۹۶ در حدود ۳۰۰ ورزشکار در مسابقه‌ها

شرکت کردند در ۱۹۶۴ توکیو در حدود ۷۵۰۰ نفر و در المپیک آتلانتا- که صدمین سال المپیک و بیست و ششمین آن بود و آتلانتا نیز تشابه اسمی با واژه آنلیتیک داشت و با علاقه وافر و کاملاً سیاسی آمریکا برای میزبانی صدمین یادگار همراه بود- شمار ورزشکاران شرکت کننده به بالای ده هزار نفر رسید. دهها ده هزار خبرنگار و صدها نهاد و دستگاه و سازمان مخابراتی و خبررسانی در آنجا جمع آمدند. یکی از عمده‌ترین خدمات کالایی به نمایش درمی‌آمد. در واقع دست میلیاردها دلار معاملات جهانی رسانه‌ها و وسایل مخابراتی نیز قلمرو خود را در چنین ایامی می‌یافت. در کنار حرکتهای شتاب‌مند تاریخی به سمت پرمهارت شدن، اندیشه ورزش شدن، هرچه سریع و نیرومند شدن ورزشکاران، و نیز جهانی شدن، به منتها درجه نمایشی شدن، به مقیاس گسترده‌یی اجتماعی

شدن، کارکردهای بسیار مؤثر سیاسی یافتن و بالاخره اقتصادی شدن بسیار متمرکز ورزش، پدیده دیگری نیز در اندیشه و فرهنگ و سلیقه و باورهای مردم شکل گرفته است که نیرویی خودبخودی دارد. برای این پدیده سازماندهی ویژه‌یی نمی‌شود، گسرسه مبین است سازماندهیهای مختلف برای تقویت و گسترش اجتماعی و اقتصادی و سیاسی فعالیت ورزش بر آن تأثیر بگذارد. واقعیت اینست که ورزش با اهمیت نمادین و نمایشی خود و با پیوند در همبستگی متقابل سه عنصر مردم، ورزشکار،

نهادهای ورزش پرور، نیروی عظیمی را میان توده‌ها پدید می‌آورد که می‌تواند جایگزین نیروی-سازنده یا مخرب-دیگری شود و یا چونان یک ارزش-و گاه ضد ارزش-اجتماعی عمل کند.

در جهان غرب اوقات فراغت که از جمله عناصر آن می‌تواند لذت از دیدن‌ها و نمایش‌ها و مهارت‌ها باشد، اهمیت روز افزونی در اقتصاد یافته است. تسهیم در منافع مادی محدود و ممتاز در کشورهای صنعتی پیشرفته و استفاده از توانهای تولید و بازار رسانی، در واقع لایه‌های اجتماعی بالاتر از متوسط را به سطوح ما فوق بالای رفاه می‌کشاند. آنان نیرویی می‌شوند برای تقاضای بسیار قوی و مؤثر، تقاضای ایشان به تدریج سلیقه‌ها و خواسته‌های را وارد فرهنگ می‌کند. با این فرهنگ شخصیت‌های ورزشی با عمر درخشنده شتابان و گاه بسیار کوتاه به جامعه معرفی می‌شوند، چنانکه گویی برخی از خوانندگان و نوازندگان که عمر درخشش یک یا چند ساله دارند. تماشاگر اروپایی و آمریکایی معمولاً قهرمان خود را محبوب می‌دارد زیرا می‌تواند به اوقات فراغت او و به سلیقه‌های هیجان‌طلبش پاسخ گوید، البته استثناء هم وجود دارد. گاهی ورزشکاران و قهرمانانی در دل مردم نفوذ می‌کنند. آنها معمولاً روحیه‌یی مردمگرا دارند و به سلطه‌گران و قلدزان اعتراض می‌کنند، آنها آگاه به مسایل سیاسی و اجتماعی زمان خود هستند. آنها مردمشان را دوست دارند و برای آنها به مثابه مردمی حق طلب افتخار می‌آفرینند و بطور نمادین برای آنها می‌رزند. نمونه‌های زیادی داریم؛ پله و محمد علی کلی نمونه‌های اصلی هستند. اما ممکن است کسی چون بکن باونر بتواند به روحیه ملی و حتی به روحیه «برتری‌طلبی» آلمانی پاسخ گوید و بدینسان محبوب توده‌های مردمی شود که بهرحال یک بار مسخ‌شدگی در تاریخ و گرفتار آمدن در چنبره برتری‌طلبی را آزموده‌اند.



## فصل پنجم در آسایش و نشاط برای رسیدن به اهداف ملی و اجتماعی

### تختی پهلوان، تختی دانش پژوه

اما در جهان کم توسعه و یا در آنجا که توده‌های مردم احساس عقب‌ماندگی و حقارت می‌کنند، آنجا که ایشان نیاز به یک هموردی دارند برای احقاق حق و استقلال و هویت از دست رفته یا فرصت بروز نیافته و آنرا ناگزیر به گونه‌یی نمادین جستجو می‌کنند و یا برای آنان که توان مبارزه را به خاطر سرکوب‌های وحشیانه دولتی و پلیسی از دست داده‌اند، قهرمانان ورزشکار مردمی تأثیری ژرف‌تر بر دل‌ها دارند. حرکت آنان در راستای قوت، تضاد و پندیده مردم از یک سو و تلاش و مبارزه و پیروزی‌شان از دیگر سو آنان را به سمت محبوبیتی ویژه حرکت می‌دهد. اگر ایشان به مسایل سیاسی آگاه باشند، اگر با درایت و شعور مطلوب اجتماعی عمل کنند و اگر سوگیری سیاسی مناسب داشته باشند در رده‌های ویژه محبوبیت و پهلوانی و سپس اسطوره‌یی قرار می‌گیرند.

مرحوم غلامرضا تختی نمونه کامل از این نوع است. او به مردم احساس وجود قطعی یک توانمندی درونی، پایدار بودن ارزشهای جوانمردی و روحیه وحدت ملی را می‌داد و نمایندگی ضد ستم و ظلم و اشرافیت نوپا و نوکیسه بیدادگر را برعهده می‌گرفت. من با آن مرحوم آشنایی و پیوند و ارتباط داشتم- و این به رغم اختلاف سنی زیاد من با ایشان از روحیه آموزشگرا و سالم او که در جستجوی حفظ هم پیمانی با جوانانی بود که استثناً در صف مبارزات ملی ضد استثمار و سلطه قرار می‌گیرند، ناشی می‌شد. خصا طرات من از او سرشار است از پهلوانی و جوانمردی در کنار حیا و شرف و وفا و کرم و آزادگی. ولی برای من که محیط‌های علم‌گریز و نه چندان دلپذیر و گاه فاسد ورزشی محله‌های خانی‌آباد و شاپور را می‌شناختم، ولی از ورزش به هیچ روی، روی نمی‌گرداندم، احجاب‌انگیز این بود که تختی را شاگردی کنجکا و علاقمند در پای بحث مرحوم دکتر

محمدعلی خنجی می‌یافتم. او که ساعتها در برابر بانوی بزرگتری چون مادر من که با من برای خرید وارد مغازه مرحوم حسین نایب حسینی شده بودم می‌ایستاد و نگاه از زمین بر نمی‌داشت، در همان حال همانی بسودگه دلاورانه و مستقلانه برای زلزله‌زدگان بونین زهرا، برغم خطرات سیاسی کار خود اعانه جمع‌آوری می‌کرد و در کنگره اول جبهه ملی دژم با علاقمندی حضور می‌یافت و از توصیه به ما برای «پیروزی در صحنه دانش»، که گمان می‌کرد در آن استعدادی داریم، دست نمی‌کشید.

در همان حال هم او بود که ذره‌یی هم در تلاش برای افزایش دانش سیاسی خود کوتاهی نمی‌کرد (دست‌کم بزرگانی چون حسن آقا خرمشاهی و روح‌اله خان چیرهبندی این داوریهی مرا تأیید خواهند کرد). و از اینرو و نه فقط به خاطر قدرت و نمایش بی‌نظیرش روی تشک و در صحنه جهانی، او قهرمان توده‌ها بود.

حیال وقتی به تأثیر روحی عظیمی که نبرد دلاورانه آقا عباس جدیدی در زوایای خاطره‌های مردم خوب و عادی کشور ما می‌گذارد، و حتی که از او (مانند آن کشتی‌گیر کوبایی) در برابر دیدگان همه جهان در بزرگترین نمایش ورزشی یکصدساله بخاطر بی‌اخلاقی و برتری‌طلبی ورزش و سیاست آمریکا، ضایع شد و درس بزرگی که برای شناخت و مقاومت داد می‌اندیشم با خود می‌گویم بله ورزش می‌تواند سیاسی هم باشد و از نوع سلطه‌جویی سیاسی. اما یک نوع آن هم آماده کردن روحیه رزم خردمندانه در میان مردم است که باید به پیش بروند، و این گونه دیگری از ورزش سیاسی است. وقتی خیر قهرمانی جهان آقا رسول و خیر مدال آقا امیر خادم به مردم منتقل می‌شود، وقتی آنها با صمیمیت مدال خود را به ملتشان تقدیم می‌دارند و تلاش خود را تلاشی برای شادمانه ساختن دل مردم به حساب می‌آورند، و وقتی بزرگر مربی لایق و زحمتکش ایشان به همراه دیگر مسئولان با صمیمیتی بی‌نظیر به آینده‌یی روشن برای جوانان می‌اندیشد یا خود می‌گویم کاش اینهمه نیروی عظیم که به بار می‌آید می‌توانست در جایی برای از جا کندن سدهای راه سرفرازیها بکار برود. وقتی انبوه مشتاقان بازی‌های فوتبال در مسابقات آسیایی و وقتی و وقتی و... بالاتر وقتی در مسابقات پارالمپیک، این چنین معلولان میهن ما پر توان و پرشور نیرویی درونی را که بخاطر ستم روزگار، طبیعت یا تاریخ از راه بازمانده است بکار می‌برند و... باز با خود می‌گویم، کاشکی...

